

جایگاه نوآوری و شکوفایی در قرآن

نقیسه زروندی رهنما
کاشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران

چکیده

نو شدن و نوآوری و نو ماندن مقوله هایی است که اگر از جامعه ای رخت بریندد، آن اجتماع را می فرساید و گرفتار کهنگی می کند و چنانچه روح آن در پیکر جامعه ای بدمد شادابی و نشاط با خود می آورد و به آن ماندگاری می بخشد. همان رسالتی که طبیعت در دستور کار خویش دارد و هر ساله در بهار شاهد عظمت این رویش هستیم. اگر احاد جامعه موفق شوند که از استعداد های وجودی خویش و ظرفیتها و توانایی هایشان بخوبی بهره برداری نمایند به «خودشکوفایی» رسیده و از این رهگذر جامعه نیز پویا و رشد یافته می شود. توجه به آیات قرآنی نشان می دهد که این کتاب همواره اهمیت بحث نوآوری را مورد توجه قرار داده و محیط پیرامون و طبیعت را به عنوان مظهر نوآوری ها بیان کرده و انسان ها را به تفکر در آن دعوت نموده است. در این مقاله برآنیم تا ضمن تعریف دقیق این مفاهیم، جایگاه این بحث را در قرآن مورد تبیین قرار دهیم.

کلید واژه ها: نوآوری، خلاقیت، روش طوفان مغزی، روش گروه اسمی.

مقدمه

مقام معظم رهبری سال جدید را سال نو آوری و شکوفایی و توسعه در همه عرصه ها

نام نهادند و برای رسیدن به این هدف بزرگ، ایجاد روش های نوآورانه را توصیه نموده اند. خلاقیت و نوآوری لازمه و پیش درآمد توسعه و پیشرفت و تعالی یک جامعه است، و آگاهی از فنون و تکنیک های آن ضرورتی اجتناب ناپذیر برای افراد جامعه است.

انسان به عنوان خلیفه و نماینده خدا بر روی زمین، سرشار از استعداد و توانایی است. این انسان قادر است کائنات را به اراده خود درآورد و در جهت ساختن و اصلاح جامعه ای پویا و موفق به کار گیرد. نوآوری و خلاقیت برای بقای هر جامعه لازم است و برای ایجاد و تداوم آن در افراد، بایستی عادت به تفکر را ایجاد کرد چرا که خلاقیت با تفکر به وجود می آید و ارزش تفکر به قدری زیاد است که در تعالیم اسلامی ارزش یک ساعت تفکر گاهی با ۶۰ سال عبادت بدنی بدون تفکر ارتقا یافته است. وقتی تفکر برای انسان عادت شود به دنبال آن خلاقیت و تولید افکار و اندیشه های جدید در تک تک افراد به صورت یک امر روزمره و همیشگی درآمده و نهادی می گردد و نوآوری و شکوفایی پدید می آید. رهبر معظم انقلاب به روشنی نوآوری و شکوفایی را به عنوان یک وظیفه عمومی و اجتماعی بر همه مسئولین و احاد جامعه تاکید کردند. این تاکید نشانگر اهمیت بحث نوآوری و ابتکار می باشد. قرآن کریم نیز که برنامه زندگی و سعادت بشر را در خود نهفته دارد، ضرورت این بحث را یادآوری کرده و در آیات مختلف به ذکر مصادیق آن پرداخته است. در این مقاله، ابتدا به تعریف مفاهیم خلاقیت و نوآوری پرداخته و سپس جایگاه این بحث را در قرآن، بررسی کرده و در نهایت، ویژگی های افراد نوآور و نیز روش های ایجاد خلاقیت و نوآوری را مورد تبیین قرار می دهیم.

تعاریف خلاقیت و نوآوری

بیشتر اوقات، مردم کلمه خلاق را مترادف کلمه پراستعداد و باهوش می دانند و تصور آنان این است که افراد با استعداد و باهوش، خلاق نیز هستند و یا این که افراد خلاق از هوش بالایی برخوردار می باشند. هر چند افراد باهوش، استعداد بالقوه بیشتری دارند که در راه های خلاق به کار ببرند، اما خلاقیت، همان استعداد و هوش نیست. خلاقیت فرآیندی است که بر مبنای استعداد، آموزش و تفکر استوار است. خلاقیت گستره وسیعی از مسائل کوچک روزانه تا پیشرفت های مهم تاریخی در علوم و ادبیات و هنر را دربرمی گیرد

و برخلاف نظر عمومی، هر فرد با توانایی‌های شناختی معمولی با مقداری تلاش می‌تواند از خود خلاقیت به خرج دهد. هر انسان طبیعی می‌تواند کاری خلاق در زمینه‌ای انجام دهد. خلاقیت به معنای آفریدن، به وجود آوردن و آفرینش است. خلاقیت به معنای توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست.^۱

خلاقیت عبارتست از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدی.^۲ نوآوری نیز به معنی ابتکار، ابداع و در مواردی نیز به معنی بدعت گذاری است. نوآوری ریشه در ادراک دارد و در اثر دیدن اشیا و پدیده‌ها از زاویه‌های نو و گاهی نیز محصول خلاقیت در انسان است و از این رو پیوند عمیق و ارتباط وثیقی با خلاقیت دارد. نو اندیشی وصفی برای فرد یا جامعه‌ای است که دارای اندیشه‌های نوین است.

باتوجه به تعاریف فوق می‌توان گفت خلاقیت پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر جدید است در حالی که نوآوری عملی ساختن آن اندیشه و فکر آن است. نوآوری به معنی به کارگیری تفکرات جدید ناشی از خلاقیت است که به صورت یک کالای جدید، خدمت و یا راه حل جدید انجام کارها می‌باشد. خلاقیت اشاره به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو دارد ولی نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو و تازه است.^۳

تفاوت تغییر و نوآوری

در مورد نوآوری و تغییر نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. تغییر ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت داشته باشد، اما نوآوری ایجاد ایده‌هایی است که برای ما جدید است. از این رو، تمام نوآوری‌ها می‌توانند منعکس کننده یک تغییر باشند، در حالی که تمام تغییرها، نوآوری نیستند. تغییر نتیجه‌ای از فرآیند خلاقیت و نوآوری است.^۴

اهمیت بحث نوآوری و شکوفایی در قرآن

الف: شکوفایی ظرفیت‌های انسانی در قرآن:

در نگرش و تحلیل قرآنی انسان موجودی فراتر از هر موجودی است که در تصور و حتی تخیل انسانی بگنجد؛ زیرا وی را خلیفه و جانشین خدا بر هستی دانسته است. این بدان معناست که غیر از خداوند تبارک و تعالی هیچ موجودی را نمی‌توان یافت که در حد و اندازه‌های انسانی پدید آمده و آفریده شده باشد. در آیات قرآنی بر این نکته تأکید شده

است که وی موجودی است که همه اسماء الهی را به صورت نرم افزاری و غیرفعال دارا می‌باشد؛ تلاش‌های انسانی در یک فرآیند آن را به شکوفایی و باروری می‌رساند. اسمای الهی در تفسیر و تحلیل قرآنی به معنای ظرفیت‌هایی است که در انسان به شکل قوه در ذات وی نهاده و سرشته شده است. البته این زمانی است که شخص خود در تلاشی که در اصطلاح قرآنی به آن کدح می‌نامند در یک فرآیند زمانی بکوشد تا سرمایه‌های سرشته در ذات خویش را به فعلیت رساند. خود شکوفایی به معنای آن است که شخص از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش بهره‌گیرد. در این حالت است که نوعی اعتماد به نفس و عزت نفس در آدمی پدید می‌آید که وی را از دیگری بی‌نیاز می‌کند. چنین مسئله‌ای را پیامبر (ص) به اشکال مختلف بیان داشته است که یکی از آنها مسئله به کارگیری از ظرفیت‌های شیطانی انسان برای اهداف خدایی خود و جامعه ایمانی بوده است. توجه به آیات قرآنی نشان می‌دهد که این کتاب همواره اهمیت بحث نوآوری را مورد توجه قرار داده و محیط پیرامون و طبیعت را به عنوان مظهر نوآوری‌ها بیان کرده و انسان‌ها را به تفکر در آن دعوت نموده است.

ب: مصادیق نوآوری در آیات قرآن:

در آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) نسبت به این مفاهیم، خصوصیات و ویژگی‌ها، ریشه‌ها و عوامل، آثار و نتایج، ضرورتها و الزامها و مصادیق و نمونه‌های آن، تصریحات و اشارات فراوانی وجود دارد. در این جا به ذکر نمونه‌هایی از موارد فوق می‌پردازیم.

الف) پیامبر (ص) و امت او در قرآن پدیده‌ای نو و دارای ویژگی‌های نو، زاینده‌گی، بالندگی، فزاینده‌گی و گسترده‌گی و مانند آن هستند. اصولاً ظهور ادیان الهی به منظور شکوفایی و نوآوری در هدایت انسان‌ها بوده است.

و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطئه فأزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار (نح، ۴۸/ ۲۹)؛ و توصیف آنها (پیروان پیامبر اکرم) در انجیل همانند زراعتی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود بایستد و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد.

در این توصیف، پنج وصف عمده برای مومنان و یاران محمد ذکر شده است:

جوانه زدن، کمک کردن برای پرورش، محکم شدن، بر پای خود ایستادن، نمو چشمگیر داشتن.

آری آنها انسان‌هایی هستند با صفات والا که آنی از حرکت باز نمی‌ایستند، همواره جوانه می‌زنند و جوانه‌ها پرورش می‌یابند و بارور می‌شوند و همواره اسلام را با گفتار و اعمال خود در جهان نشر می‌دهند.

بر اساس و مثلهم فی الانجیل کزوع، مثل پیروان صادق و مخلص پیامبر اکرم (ص) در کتاب آسمانی مسیحیان مسلمانان برای دستیابی به نوآوری باید دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. تنها و محدود نیست، بلکه جوانه زننده و زاینده است، به عبارت دیگر، عقیم و نازا نیست، بلکه همواره در حال تولید و تکثیر است.

۲. در راه تقویت دین تلاش کند و موانع رشد را از سر راهش بردارد.

۳. در سایه این حمایت و تقویت، استحکام می‌یابد.

۴. به استقلال دست می‌یابد.

۵. يعجب الزراع ليغيب بهم الكفار؛ یعنی رشد و نمو و تولید و تکثیر این مزرعه با برکت، به قدری زیاد و چشمگیر است که زراعت کاران و کشاورزان را در حیرت و شگفتی فرو می‌برد، به گونه‌ای که آنها از تعجب انگشت بر دهان می‌گذارند، زیرا برخی از این درختان و گیاهان در مدت کوتاهی سراسر باغ را می‌پوشانند ولی در مقابل، کافران در خشم فرو می‌روند. خلاصه اینکه طبق این آیه شریفه، برخی از اصحاب پیامبر به مزرعه‌ای زاینده و بالنده تشبیه شده‌اند و به خاطر ایمان و عمل صالحشان، بشارت مغفرت و اجر عظیم داده شده‌اند.^۵

همچنین شان نزول آیات فوق یعنی داستان صلح حدیبیه و نوآوری پیامبر (ص) در برخورد با مشرکان و حرکت جهل و بدون سلاح و با لباس احرام به سمت مکه و در هم شکستن همه تصورات مشرکان مصداق بارزی از نوآوری است که آثار بسیار فراوان از خود داشته و این همان فتح المبین مذکور در آغاز سوره فتح است.

سنت پروردگار در این است که بدون پویایی و تغییر و نوآوری به دست انسانها، سرنوشت دنیا و آخرت آنها دگرگون نخواهد شد و این انسان‌ها هستند که با ایجاد تغییر در

درون جان خود و در جامعه و پیرامون خود، امداد و عنایت‌های الهی را برای خود جلب می‌نمایند.

از آیه ۲۹ سوره الرحمن: *يسئله من في السموات و الأرض كل يوم هو في شان*، نیز استفاده می‌شود که خداوند پیوسته ما را به تفکر در آفرینش و نوآوری مستمر الهی رهنمون می‌سازد. بسیاری از مفسران در تفسیر این آیه آورده‌اند که خداوند هر لحظه در حال نوآوری است و نظام هستی هر آن در حال تجدید شدن است و اساساً بهار طبیعت که سالانه تکرار می‌شود جلوه‌ای از این تجدیدهای مستمر است که برای ما محسوس و ملموس است. مفهوم اینکه خداوند هر روز در یک شأن ویژه‌ای است این است که نظام هستی به صورت لحظه‌ای از مبدأ فیاض خداوندی در حال مستفیض شدن است و این امر به مفهوم نوآوری و شکوفایی مستمر است. آری، او هر روز در شان و کاری است. خلقت او دائم و مستمر است و پاسخگویی او به نیازهای سائلان و نیازمندان نیز چنین است و هر روز طرح تازه‌ای ابداع می‌کند. یک روز اقوامی را قدرت می‌دهد، روز دیگر آنها را بر خاک سیاه می‌نشانند. یک روز سلامت و جوانی می‌بخشد، روز دیگر ضعف و ناتوانی می‌دهد. خلاصه هر روز طبق حکمت و نظام احسن، پدیده تازه و خلق و حادثه جدیدی دارد.^۶

امیرمومنان علی (ع) در یکی از خطبه‌هایش می‌فرماید:

الحمد لله الذي لا يموت و لا تنقضى عجائبه لانه كل يوم هو في شان من احدث بديع لم يكن؟ ۷ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که هرگز نمی‌میرد و شگفتی‌های خلقتش پایان نمی‌گیرد چرا که هر روز در شان و کاری است و موضوع تازه‌ای می‌آفریند که هرگز نبوده است.

و در حدیث دیگری از رسول خدا می‌خوانیم که در تفسیر این آیه فرمود:

من شانه ان يغفر ذنبا و يبرج كريبا و يرفع قوما و يضع آخرين؛^۸ از کارهای او این است که گناهی را می‌بخشد و ناراحتی و رنجی را بر طرف می‌سازد، گروهی را بالا می‌برد و گروه دیگری را پایین می‌آورد.

ب) قرآن به دانش، پژوهش، تولید علم و فهم عمیق و استنباط، ارزش فوق‌العاده داده و جامعه مومنین را مکلف نموده است تا پیوسته نیاز علمی و فکری خود را با تفقه در دین

تحصیل نمایند.

شایسته نیست مومنان همگی کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا دسته‌ای بمانند و در دین آگاهی پیدا کنند. (توبه، ۹/۱۲۲)

نکته مهم در این آیه، احترام و اهمیت خاصی است که اسلام برای مساله تعلیم و تعلم قائل شده است تا آنجا که مسلمانان را ملزم می‌سازد که همه در میدان جنگ شرکت نکنند بلکه گروهی بمانند و معارف اسلام را بیاموزند. یعنی جهاد با جهل همانند جهاد با دشمن بر آنها واجب است و اهمیت یکی کمتر از دیگری نیست بلکه تا مسلمانان در مساله جهاد با جهل پیروز نشوند در جهاد با دشمن پیروز نخواهند شد زیرا یک ملت جاهل همواره محکوم به شکست است.^۹

از طرف دیگر، دعوت به فهم عمیق و ژرف از دین در اسلام مورد تاکید است و آنان که نمی‌دانند باید از آنان که می‌دانند پرسند و سوال کردن یک ارزش است: **فاستلوا اهل الذکر إن کنتم لا تعلمون** (نحل، ۱۶/۴۳)

در سوره نساء آیه ۸۳ در صورت عدم توان بر حل مساله، دستور داده که مسائل خود را نزد کسانی ببرید که از توانایی استنباط (پویایی و توانایی فکری و علمی) برخوردارند. همچنین، دعوت به فکر، نقد، اندیشه و خرد ورزی در قرآن، دعوت به نوآوری و پویایی فکری و شکوفایی ذهنی و علمی و کشف و فهم و ادراک مجهولات و معلوم نمودن نادانسته‌هاست.

و هنگامی که خبری از پیروزی و شکست به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند و اگر آن را به پیامبر و پیشوایان (که قدرت تشخیص کافی دارند) ارجاع کنند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد.

در واقع باید به کسانی رجوع شود که قدرت تشخیص و احاطه کافی به مسائل مختلف دارند و می‌توانند حقایق را از شایعات بی‌اساس و مطالب راستین را از نادرست برای مردم روشن سازند.

این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند که عقل هر بشری می‌پذیرد و آن مراجعه به اهل علم و کارشناس است. یعنی هرچه را نمی‌دانید از آگاهان و اهل خبره آن سوال کنید.^{۱۰} در واقع مساله تخصص نه تنها در زمینه مسائل اسلامی و دینی از سوی قرآن به رسمیت

شناخته شده بلکه در همه زمینه‌ها مورد قبول و تاکید است و بنا بر این بر همه مسلمانان لازم است که در هر عصر و زمان، افراد آگاه و صاحب نظر را شناخته و در مسائلی که نمی‌دانند به آنها مراجعه کنند.^{۱۱}

ج) در قرآن مصادیق متعددی از نوآوری را برای شنا ساندن و آموزش دادن آن به مسلمانان ذکر نموده است:

قرآن کریم در داستان تاریخ بشر که از آدم تا خاتم (ص) گزارش کرده، بیان می‌کند که خداوند در هر عصری مجموعه‌ای را فرورستاده است که از آن به عنوان منهج و روش‌های نوشونده یاد کرده است تا برای هر عصر تاریخی بتواند مفید و سازنده باشد و فرد و جامعه را به سوی کمال شایسته پیش برد. این بدان معنا است که نوآوری یک سنت واجب الهی و اسلامی بوده که می‌کوشد دین را از حصار زمان و مکان خارج ساخته و آن را پویا و به روز نماید.

در سوره انبیاء آیه ۵۱، ابراهیم را رشد یافته (و لقد آتینا ابراهیم رشده من قبل) و نوآوری و ابتکار او را در بیدار کردن فطرت بت پرستان بیان کرده و کید و نقشه او را مبنی بر اینکه بتها را شکسته و تبر را به دوش بت بزرگ قرار داد، به عنوان ابتکار بسیار موثر او بیان می‌کند.

در سوره کهف آیه ۹۸، نوآوری ذوالقرنین در ساخت سد به عنوان مانع یاجوج و ماجوج را بیان کرده و از آن به عنوان رحمت پروردگار یاد نموده است. (قال هذا رحمة من ربی). در پرتو همین آموزه‌های قرآنی بود که پیامبر (ص) و ائمه (ع) و مسلمانان در موارد متعدد با ابتکار عمل و خلاقیت خود، به نوآوری‌های بزرگی اقدام نموده و تمدن بزرگ اسلامی را شکل دادند. از جمله، حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ احد و بسیاری از احکامی که توسط معصومین (ع) بیان شده، نوآوری‌های اثربخش و کارآمدی بود که باعث رونق و توسعه اسلام گردید. همچنان که اصل انقلاب اسلامی توسط پیامبر (ص) در فضای سنگین جاهلیت، نوآوری و همه معارفی را که این پیامبر امی و درس‌نخوانده برای بشر آورده، در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه مادی و معنوی زندگی انسان‌ها بوده است.

د) از نظر قرآن نو اندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته، یک اصل مسلم

و ضروری است زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه پدران را بسیار نکوهش کرده و به خردورزی و راهیابی دعوت می کند. قرآن انسان ها را به نو اندیشی در مسیر هدایت دعوت کرده تا هم خرده های آنان را بیدار نماید و هم راه های تازه ای را فراروی انسان ها بگشاید و آنها را به هدایت برساند. به همین دلیل دعوت به فکر، علم، عقل، تدبیر، حکمت، نور و امثال آن در آیات زیادی مورد تاکید قرار گرفته است و انسان های هدایت یافته را مردگانی که زنده شده اند دانسته و برای آنان نور هدایت گر قرار داده است. ماندن در ظلمات و جهل و نداشتن نو اندیشی و پویایی در عرصه فکر و اندیشه، باعث محرومیت از هدایت و نکوهش پروردگار است.

و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا أو لو كان آباؤهم لا يعلمون شيئا و لا يهتدون (مانده، ۱۰۴/۵)؛ و چون به آنها گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبرش بیایید، می گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا نه چنین است که پدرانشان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند؟ اگر نیاکانی که شما در عقیده و اعمالتان به آنها متکی هستید، دانشمندان و هدایت یافتگانی بودند، پیروی شما از آنان از قبیل تقلید جاهل از عالم بود. اما با اینکه خودتان می دانید آنها چیزی بیشتر از شما نمی دانستند و شاید عقب تر هم بودند باز هم از آنها پیروی می کنید؟ با این حال کار شما مصداق روشن تقلید جاهل از جاهل است که بی معناست. در واقع تقلید کورکورانه نشانه بی عقلی است.

بنابراین، نو اندیشی و پویایی فکری، جوهره تفکر دینی است و ایستایی و تاثیر نپذیرفتن از شرایط حق، کفر است. اگر کسی هشدار پیامبران را که رساترین و موثرترین هشدارهاست، نشنود به دلیل این است که حس تازگی در آنها مرده است و همچون سنگ، سخت شده اند و دیگر هیچ امیدی به خیر و تکامل آنها نیست.

ه) بعضی از اسماء و صفات الهی در بردارنده مفهوم نوآوری بوده و شکوفا نمودن را می رساند. از جمله:

الخالق: الله خالق كل شيء؛ (زمر، ۶۲/۳۹) خداوند، آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان و حافظ و ناظر است.

البارئ: هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى (حشر، ۲۴/۵۹)؛ او خداوندی

است خالق و آفریننده ای بی سابقه و صورتگری است بی نظیر.

او خداوندی است آفریننده که مخلوقات را بی کم و کاست و بدون شبیهی از قبل ایجاد کرد. او آفریدگاری است که به هر موجودی، صورت خاصی بخشیده است.

باری به معنای خالق و پدید آورنده ای است که با نوآوری و بدون مواد قبلی چیزی را آفریده است و پدیده هایش از یکدیگر متمایز و متفاوت باشند. آری، خداوند آفریننده ای است که در آفرینش مخلوقاتش از کسی یا جایی الگو برداری نکرده است بلکه خود صورت بخش پدیده هاست.

البدیع: بدیع السموات و الارض (بقره، ۱۱۷/۲ و انعام، ۱۰۱/۶)؛ خداوند، هستی بخش آسمان ها و زمین است.

کلمه بدیع نیز از ماده بدع به معنی به وجود آوردن چیزی بدون سابقه است و این می رساند که خداوند، آسمان ها و زمین را بدون هیچ ماده و نمونه قبلی به وجود آورده است. در واقع آفرینش خداوند همواره بدیع و ابتکاری است.^{۱۲}

همچنین، اسماء دیگر پروردگار عالم همچون مصور، فاطر، مبدی، کاشف، باسط قابض، باعث، مبین، کاشف، فاتح، فالق، فارح و فاتح همگی متضمن معنا و مفهوم نوآوری، ایجاد و شکوفایی، پدید آوردگی، گشایش دهندگی، کارگشایی، برطرف کنندگی باز کنندگی، پیوند دهندگی، آشکار کنندگی، نخستین آفرینی، نوآوری و امثال آن است که در آیات و روایات آورده شده است. البته، جامع ترین نام که در بردارنده همه مضامین فوق است همان رب در عبارت رب العالمین است که همه هستی را و کل هستی و اجزای آن را از عدم و با ابداع آفریده و پرورش داده و شکوفا نموده است.

نکته مهم این است که نوآوری در آموزه های دینی و اسلامی هم برای فرد و هم برای جامعه معتادار بوده و در جهت مثبت و برای بهبود وضعیت موجود است و هرگز به معنی نادیده گرفتن اصول و مبانی و ترک سنت ها و خروج از چارچوب شریعت و احکام الهی نیست، بلکه همان توسعه خردورزی و پویایی فکری و اجتماعی و کسب علم و بینش نو و میدان دادن به روح جستجوگری و کشف و راسخ شدن در علم و فقه عمیق می باشد. مشابه آنچه در آیات قرآن بیان گردید، در احادیث و روایات مختلف نیز به بحث خلاقیت و لوازم آن اشاره گردیده است. در زیر به برخی از این موارد اشاره می گردد:

۱۳. امام علی (ع): ای کمیل، هیچ حرکتی نیست مگر آنکه تو در آن محتاج شناخت هستی.

۱۴. امام صادق (ع): کسی که در آموخته‌های خویش بیشتر اندیشه کند، علم خود را استوارتر کرده و نکته‌هایی را در می‌یابد که دست نیاافتنی است.

۱۵. امام علی (ع): اهل بینش کسی است که بشنود و بیندیشد و ببیند و با بینش در آن درنگ و از رخدادها پند گیرد و بهره‌مند شود و خود را از پرتگاه‌ها نگاه دارد.

۱۶. پیامبر (ص): اگر دو روز کسی برابر باشد ملعون است، اگر فردای کسی بهتر از امروزش باشد مقبول است. اگر کسی در پی تدارک کاستی در عمل خود نباشد، کاستی در عقلش خواهد بود و اگر کسی در عمل و عقل کاستی داشته باشد، عدمش از وجودش بهتر است.

ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور

افراد از نظر خلاقیت متفاوت‌اند. کسی که زندگی خلاق دارد، احساس توانمندی را در خود پرورش می‌دهد، با مهر و محبت ناکامی‌ها را می‌پذیرد و نیروهایش را در راه تحقق اهدافی که دارد بسیج می‌کند.

ایام گرانبهای عمر را به بطالت تباه نمی‌کند، خوب می‌داند که بیکاری و وقت‌گذرانی و به فراغت پرداختن بیش از اندازه، اسباب تکدر خاطر می‌شود.

انسان خلاق از سرگرمی‌های انفعالی فاصله می‌گیرد. از انگاره‌های انفعالی حذر می‌کند و علاقه‌مند و بانشاط در جهت هدف‌هایش گام بر می‌دارد. و جان کلام آنکه، مشتاق و هدف‌گراست. احساس جوانی دائم دارد، احساسی که همه به آن نیاز دارند ولی متأسفانه اغلب از آن محروم هستند.

اگر چنین است زمان برنامه‌ریزی است، زمان ایجاد تصویر ذهنی سالمی است که اساس زندگی خلاق است، زمان شروع و شروع هرگز دیر نیست.

۱۷. افراد خلاق تازگی و بدیع بودن را ترجیح می‌دهند، پیچیدگی مسائل، توجه آنان را جلب می‌کند و به قضاوت‌های مستقل می‌پردازند. علاوه بر توانایی تمام کردن، کامل کردن و یکی کردن افکار گوناگون در این افراد بیش از دیگران است. افراد خلاق بیشتر به

وسيله علايق دروني خود نسبت به كارهاي خلاق برانگيخته مي شوند تا عوامل بيروني نظير شهرت، پول يا تايد ديگران. در واقع وقتي دلايل بيروني باعث انجام كارهايي مي شود كه ذاتا جزو كارهاي فكري خلاق به حساب مي آيد، ممكن است شخص انگيزه خود را براي انجام آن از دست بدهد.

علاوه بر اين افراد خلاق داراي يك سري از ويژگيهاي هستند كه اين ويژگيها را مي توان با درجات متفاوت در تمام افراد جامعه پيدا كرد. خلاقيت در اثر رخوت و كم كاري را كد و كسل مي گردد ولي هيچگاه از بين نمي رود، بنا بر اين بايد سعي شود اين ويژگي ها پرورش داده شوند تا خلاقيت دچار ركود نگردد.

۱. سلامت فكر و روان:

افراد خلاق افرازي هستند كه از سلامت رواني برخوردارند. اين افراد قادرند فكر، اندیشه و حرف‌های تازه را پشت سر هم مطرح کنند بدون اینکه دچار ركود گردند.

بهره‌مندی از ذهنی سالم، باز و گشوده این امکان را برای قوه خلاقه فراهم می‌کند تا از آنچه می‌خواهد تصویر روشنی بیافریند و بالاخره عملی منشا موفقیت و پیروزی است که در ورای آن اندیشه‌ای سالم نهفته باشد، همان گونه که ورزش عضلات را قوی‌تر و سالم‌تر می‌کند تفکر، مطالعه کتاب‌های خوب و مفید و نگارش تجارب، افکار و منش‌ها نیز باعث تقویت و سالم‌تر شدن روان و ذهن گردیده و نهایتاً موجب باروری و شکوفایی خلاقیت می‌گردند.

۲. انعطاف پذیری:

یعنی توانایی کنار گذاشتن چارچوب‌های ذهنی بسته و خشک، توانایی دیدن اندیشه‌های جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین آنها. با دو سؤال از خود می‌توانیم به میزان انعطاف‌پذیری مان در زندگی خصوصی و اجتماعی پی ببریم:

الف - چه مقدار به اشتباهات و قصور خود در مقابل دیگران اعتراف می‌کنیم؟

ب - چه مقدار در مقابل آنچه نمی‌دانیم اعتراف کرده و کلمه نمی‌دانم را بر زبان جاری می‌کنیم؟

تکرار در اعتراف به موقع به اشتباهات و اقرار صادقانه به آنچه نمی‌دانیم باعث می‌شود

این خصوصیت خوب به یک رفتار طبیعی و عادت مقبول تبدیل گردیده و این توانایی را بدهد تا در چارچوب‌های ذهنی باطل را فرو بریزد. هر اندازه خلاقیت و نوآوری بیشتر باشد به همان اندازه انعطاف پذیری بیشتر شده و وقت کمتری به حراست و دفاع از افکار غلط گذشته صرف خواهد شد. مطالعه سیره انبیا و اولیاء(ع) و دانشمندان و نوایغ بزرگ جهان اسلام نشان می‌دهد که چقدر اهل تفکر و اندیشه بودند و چگونه در مقابل افکار منحط و متهم‌جرانه با صبر و تحمل و شکیبایی گوش فرا می‌دادند و سپس با منطقی که هر انسان اندیشمند و صادقی را قانع می‌کرد دریچه‌هایی از اندیشه‌های بزرگ و خلاق را که تا آن روز هرگز نشنیده بودند در مقابل آنان می‌گشودند.

۳. ابتکار:

یعنی به پشتوانه اندیشه سالم، ذهنی پویا و منعطف در هر زمان بتوان پیشنهاد تازه‌ای را یافته و ارائه داد، ارائه پیشنهاد جدید خود نوعی از خلاقیت و نوآوری است. انسانهای خلاق چشمه جوشانی از پیشنهادها سازنده و مفید هستند.

۴. ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی:

افرادی که خلاقیت نداشته و تمایلی به بروز چنین امری را از خود نشان نمی‌دهند هرگز سراغ سختیها نرفته و همواره در جستجوی راه‌های بی‌دغدغه و آسان هستند به طوری که معمولاً راه‌های پیموده شده را انتخاب می‌نمایند و علاقه‌ای به خطر کردن و پذیرش وظایف سنگین را ندارند. این افراد خواهان سایبان امنیتی ساخته شده به دست دیگران هستند در حالیکه افراد خلاق و مبتکر همواره در تلاش و تکاپو بوده و به هر کور سوئی رضایت نداده و در جستجوی منشا نور می‌باشند.

بنابراین پیچیدگی‌ها را انتخاب کرده و بدنبال یافتن راه حلی ساده برای آنها هستند. ولی افرادی که تمایل به خلاقیت ندارند به جای پرداختن به ریشه‌ها خود را با برگ‌ها و شاخه‌ها سرگرم کرده و با رفتن به سراغ مسائل ساده خود را قانع و ارضا می‌کنند.

۵. استقلال رأی و داوری:

افراد خلاق بر خلاف افرادی که تمایلی به خلاقیت ندارند انسانهایی پیرو و دنباله‌رو نبوده، و به دنبال تکیه‌گاهی درعالم بیرون نیستند تا به او چنگ بزنند، بلکه این افراد صاحب فکر، اندیشه، سبک و روشی خاص هستند. آنها با توجه به اعتقاد به روح عظیم انسانی و

معرفت نفس با دیدگاهی فراتر از مادیات با تکیه به خداوند و خزائن علوم نهان در روح انسان که خداوند به ودیعه گذاشته است با جستجو، تفکر و مطالعه به ایده‌هایی می‌رسند که می‌تواند جهان را متحول سازد.

۶. تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین اهدافشان:

افراد خلاق همیشه و در هر شرایطی ذهن و نیروی خود را بریک موضوع ویژه متمرکز می‌کنند و به دنبال دستیابی به هدفی والا و بلند مرتبه هستند و با این عمل بر قله رستگاری و موفقیت تکیه می‌زنند همانند متمرکز شدن نور توسط ذره بین در یک نقطه و یا تمرکز لیزر در یک نقطه که حتی در فولاد هم نفوذ می‌کند. اما انسانهایی که از خلاقیت کمتر برخوردارند اهداف و مسئولیتهای متعددی را بر می‌گزینند و در هیچ زمینه‌ای بطور کامل توفیق حاصل نمی‌کنند. پراکنده کاری حاصل ذهنی پراکنده و غیر متمرکز است که مانع تمرکز ایده‌هاست هرچند بررسی سوابق انسان‌های بزرگ و نوایغ نشان می‌دهد که در بین آنان افرادی شلوغ و غیر منظم هم وجود دارند ولی به نظر نمی‌رسد این امر به معنای پراکندگی ذهنی آنها باشد و شاید اهمیت دادن فوق‌العاده به امور بزرگتر سبب بی‌توجهی آنان به امور کوچک چون نظم دادن اطراف خود باشد.^{۱۸}

تکنیک‌های خلاقیت و نوآوری

برای اینکه خلاقیت و نوآوری ایجاد و پرورش یابد بایستی فنون و تکنیک‌هایی رعایت گردد. محققان مختلف فنونی را ذکر کرده‌اند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. طوفان مغزی:^{۱۹}

اجرای یک تکنیک گردهمایی که از طریق آن گروهی می‌کوشند راه حلی برای یک مسئله بخصوص با انباشتن تمام ایده‌هایی که در جا به وسیله اعضا ارائه می‌گردد بیابند.^{۲۰} یعنی هیچ انتقادی از هیچ ایده‌ای جایز نیست. به هر ایده‌ای هرچند نامربوط خوش آمد گفته می‌شود.

هرچه تعداد ایده‌ها بیشتر باشد بهتر است. کیفیت ایده‌ها بعداً مورد توجه قرار می‌گیرد افراد به ترکیب کردن ایده‌ها تشویق می‌شوند و از آنها خواسته می‌شود که نسبت به ایده‌های دیگران اشراف پیدا کنند.

یکی از تکنیک‌های خلاقیت و نوآوری که در ابداعات فنی کاربرد گسترده و موفقی داشته تکنیک تقلید و الگوبرداری از طبیعت است. ابداعاتی که در زمینه علم ارتباطات و کنترل در دهه‌های اخیر شکل گرفته‌اند. برنامه‌ریزی‌های رایانه و موضوع هوش مصنوعی همه با الگوبرداری و تقلید از فعالیت‌های مغز آدمی انجام شده‌اند و روند فعالیتها به گونه‌ای است که در آینده با ادامه این کار فنون و ابزارهای بدیع و جدیدی ساخته خواهند شد. ۲۲

۳. تکنیک گروه اسمی: ۲۳

اعضاء گروه در یک میز جمع می‌شوند و موضوع تصمیم‌گیری به صورت کتبی به هریک از اعضا داده می‌شود و آنها چگونگی حل مسئله را می‌نویسند؛ هریک از اعضا به نوبه، یک عقیده را به گروه ارائه می‌دهد؛ عقاید ثبت شده در گروه به بحث گذارده می‌شود تا مفاهیم برای ارزیابی روشن‌تر و کامل‌تر شود؛ هریک از اعضا مستقلاً و مخفیانه عقاید را درجه بندی می‌کند؛ تصمیم گروه آن تصمیمی خواهد بود که در مجموع بیشترین امتیاز را به دست آورده باشد. ۲۴

۱. شهرآرای، مهرانز، مدنی پور، رضا، مقاله: سازمان خلاق و نوآرمجمله دانش مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴، تابستان ۱۳۷۵.
 ۲. رضائیان، علی، اصول مدیریت، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۳.
 ۳. جعفری، عبدالرضا، کیفیت و نظامهای کنترل، مجله تدبیر، شماره ۵۵، ص ۲۹.

4. KATZ, D. AND KAH- L. 1978, THE SOCIAL PSYCHOLOGY OF ORGANIZATIONS, WILEY, NEW YORK

۵. مکارم شیرازی، مثال‌های زیبایی قرآنی / ۲۱۸.
 ۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۲۳، ۱۳۷۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۷. اصول کافی، مطابق نقل تفسیر نور الثقلین، ج ۵ / ۱۹۳.
 ۸. مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث، این حدیث در روح المعانی از صحیح بخاری نیز نقل شده است.
 ۹. تفسیر نمونه، جلد ۸.
 ۱۰. محسن قرآنی، تفسیر نور، جلد ۶، ۱۳۸۳، تهران، ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۱۱. تفسیر نمونه، جلد ۱۱.
 ۱۲. تفسیر نمونه، جلد ۱.
 ۱۳. بحارالانوار، ۱ / ۳۵.
 ۱۴. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۰ / ۴۷۱۲.
 ۱۵. نهج البلاغه، ح ۱۵۳.
 ۱۶. خرمشاهی، پیام پیامبر / ۸۴۴۴.
 ۱۷. مالتز، ماکسول، روانشناسی خلاقیت، ترجمه مهدی قراچه داغی / ۲۱۳-۲۱۲.
 ۱۸. برای کسب اطلاعات بیشتر به این سایت روبرو کنید: www.creativity.ir. ۲۰۰۸.

19. BRAIN STORMING.

۲۰. آقای فیثانی، تیدور، خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها / ۱۱۹، انتشارات ترمه، چاپ اول، سال ۱۳۷۷.

21. BIONICS

۲۲. خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها / ۱۲۶-۱۲۷.

23. NOMINAL GROUPING

24. DALKY, N. THE DEPHIMEHTED: AN EXPERMENTAL STUDY OF GROUP OPINION. SENTAMONICA, CA. RAND CORPORATION\43.